

«به نام خدا»

استادان ارجمند، والدین محترم، میهمانان و دانش‌آموختگان عزیز سلام و درود بر شما. خسته نباشید! امروز ما شاهد به ثمر نشستن سال‌ها تلاش شما بزرگواران هستیم. خواهشمندم که اخم نکنید. کاملاً آگاهم که در چنین روز پر هیجانی، انتظار هیچ سخنرانی طولانی و خسته‌کننده‌ای را ندارید.

از این رو شما را ناامید نخواهم کرد. دقیقاً ۶۵ خط و ۵۵ جمله در سخنرانی بنده است که ۵ جمله آن را هم اکنون شنیدید. با توجه به وقت داده شده از آنجایی که در سال اصلاح الگوی مصرف هستیم از جملات تکراری پرهیز کرده، و حدوداً ۱۲ دقیقه سخنرانی‌ام به طول خواهد کشید. باید اذعان کنم که برای ما اساتید که معمولاً در کلاس درس حداقل ۶۰ دقیقه سخنرانی داریم، رعایت چنین محدودیت زمانی در ارائه گفته‌هایم بسیار دشوار بوده است.

شما دانش‌آموختگان عزیز میوه‌های دستان پر تلاش استادان و مربیان دانشگاهمان هستید. خوب یا متوسط، ریز یا درشت، شیرین یا ترش، با معدل‌های ۱۸ و ۱۹ یا ۱۲ و ۱۳، ما همه شما عزیزان را دوست می‌داریم و به تک تک شما افتخار می‌کنیم. با اطمینان می‌توانم بگویم که در شریف، همه شما حداقل‌های لازم را برای خدمت به جامعه و کشور عزیزمان ایران کسب نموده‌اید و تک تک شما در آینده نزدیک منشاء افتخارات بزرگی در جامعه خواهید بود. امیدوارم توانسته باشیم در کنار آموزه‌های علمی گوناگون، ایمان، پشتکار، تواضع، و عشق به خدمت به وطن و هم‌نوع را نیز به شما بیاموزیم.

به‌راستی دانش‌آموختگی یا فارغ‌التحصیلی یعنی چه؟

- برخی می‌گویند که به پایان رسیدن بهترین دوران زندگی یک دانشجوی است.
- برخی دیگر می‌گویند که رسیدن به یک بلوغ اجباری است که من بعد باید مسئولیت‌های مهمتری را پذیرفت.
- برخی هم می‌گویند روزی است مثل روزهای دیگر، بدون هیچ‌گونه تفاوتی جز یک شادمانی زودگذر با لباس‌های رنگارنگ دانش‌آموختگی.

هر کس عقیده و نظر متفاوتی در خصوص فارغ‌التحصیلی دارد، اما تنها یک چیز است که همه ما بر آن اتفاق نظر داریم. وقتی به چنین روزی فکر می‌کنیم، تنها یک سؤال است که مغز همگی ما را به خود مشغول می‌کند و نگران آن هستیم، و آن این است که:

بعدش چی؟؟؟

آیا به مقصد رسیده‌ایم؟

بعد از ۱۲ سال تحصیل در دوران ابتدایی و دبیرستان، ۴ سال دوره کارشناسی، ۲ سال دوره کارشناسی ارشد و ۵ سال دوره دکتری..... خدای من! بعد از حداقل ۲۰ سال تحصیل طاق‌فرسا و طولانی مدت، هنوز از خود می‌پرسیم و می‌خواهیم بدانیم که:

آیا به مقصد رسیده‌ایم؟

اگر برگردید و به مسیری که در طول این سال‌ها طی کرده‌اید، با دقت بنگرید..... متوجه می‌شوید که چه راه‌های متفاوت و دشواری را پیموده‌اید تا به جایی که امروز هستید، برسید. بله فارغ‌التحصیلی پایان یک مسیر و راه است و البته شروع و آغاز راهی دیگر..... این راه پایانی ندارد و بنده خیال شما را راحت کنم که همیشه دانشجوی و دانش‌پژوه خواهید بود. بلی فارغ‌التحصیل شدید ولی هرگز فارغ از تحصیل نشوید! خردمندی می‌گفت: **”آنچه که ما آغاز می‌کنیم، در اغلب موارد همان پایان راهی دگر است، و برای رسیدن به هر پایانی هم آغازی دوباره لازم است.“** به نظر می‌رسد که آموزش، حرفه و شغلی که انسان‌ها در زندگی اختیار می‌کنند در نحوه نگرش آنها به زندگی مؤثر است.

مثلاً حتماً شنیده‌اید که می‌گویند:

ریاضی‌دانها زندگی را به اعداد پیچیده (Complex) تشبیه می‌کنند که هم قسمت حقیقی (Real) و هم قسمت موهومی (Imaginary) دارد.

من نیز به‌عنوان یک مهندس مکانیک، به ناچار گاهی اوقات به برخی رویدادهای زندگی از منظر علم مکانیک می‌نگرم. برای مثال: حتماً هر کدام از شما در طول زندگی رانندگی کرده‌اید و یا خواهید کرد. در حین رانندگی قطعاً به آینه‌های کوچک بغل و عقب هم نگاه می‌کنید. به آنها نگاه می‌کنید تا ببینید چه چیزهایی پشت سر شماست و اینکه چه چیزهایی را پشت سر گذاشته‌اید.

گاهی هم اتفاق می‌افتد که وقتی خیلی زیاد به این آینه‌ها خیره می‌شوید، از شیشه جلوی اتومبیل خود غافل گشته، با خودرو یا هر چیز دیگری تصادف می‌کنید. چرا؟ چون به مسیر و راهی که می‌خواستید بروید با دقت نگاه نمی‌کردید! می‌خواهم توجه شما را به این نکته جلب کنم که به دوره تحصیلی که امروز تمام کرده‌اید، فقط به صورت یک آینه عقب یا بغل نگاه کنید. شما این دوره را پشت سر گذاشتید و حالا دیگر جزو گذشته شماست. و از امروز به بعد باید افکار خود را روی چیزهایی که پیش روی شماست، متمرکز کنید. باید به جلو نگاه کنید و به پیش بروید. دقیقاً همان‌طور که برای پیمودن مسیر به شیشه جلوی اتومبیل خود نگاه می‌کنید. آینده را در آنجا می‌توانید ببینید و پتانسیل‌های شغلی و حرفه‌ای شما به‌عنوان مهندس، محقق، دانشمند، و کارشناس در آنجا ظاهر می‌شوند.

توجه شما عزیزان را به تفاوت اندازه شیشه جلوی اتومبیل و آینه‌های عقب یا بغل جلب می‌کنم. نسبت آنها را به هم مقایسه کنید! البته به هیچ وجه قصد ندارم دستاوردی را که امروز بدان رسیده‌اید، کم اهمیت جلوه دهم و فقط

می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که نسبت مدرک تحصیلی شما از لحاظ قد و قواره به پنجره یا شیشه شغلی شما در حرفه‌ای که آموزش دیده‌اید، مثل نسبت اندازه آینه‌های بغل یا عقب به شیشه جلوی خودروی شماست. اگر سه آینه بغل و عقب اتومبیل خود را از نظر اطلاعاتی که در اختیار شما می‌گذارند تا با موفقیت به جلو بروید مشابه مدارج لیسانس، فوق‌لیسانس، و دکتری در نظر بگیریم، امروز برخی از شما فعلاً یک آینه، برخی هم دو آینه، و برخی سه آینه یا بیشتر دارید.

جالب اینجاست که حتی با داشتن تمامی این آینه‌ها، برای اینکه به پیش بروید، همچنان به شیشه جلو نیازمندید. نکته‌ای را که از آوردن این مثال می‌خواهم نتیجه‌گیری کنم آن است که: اگر چه تحصیلات دانشگاهی قطعاً برای پیشرفت شغلی و آینده حرفه‌ای شما ضروریست، اما کافی نیست! هنوز عوامل و فاکتورهای بسیاری نیز وجود دارند که می‌توانند بر موفقیت‌های شغلی شما تأثیرگذار باشند. این عوامل را باید در پنجره وسیع‌تر پیش‌روی زندگی خود جستجو کنید. دوست دارم تعدادی از این عوامل را که به تجربه کسب نموده‌ام به شما هدیه کنم:

۱- از آموزش مستمر، خلاقیت و ابتکار عمل در هر کاری که می‌کنید، غافل نشوید. قدرت خلاقه را در مهارت‌ها و قابلیت‌های خود به کار ببندید. وجه تمایز شما با دیگران ابتکار عمل در حرفه و شغلی است که انتخاب کرده‌اید.

۲- با عشق و علاقه کار کنید. اگر عشق همراه کاری که می‌کنید نباشد، قابلیت‌ها و مهارت‌های شما محدود، و قطعاً ابتکاری هم در کار نخواهد بود.

۳- پشتکار و استقامت لازمه دستیابی به هر موفقیتی است و این را شما در حین تحصیل هم تجربه کرده‌اید. بنابراین از هر شکستی ناامید نشوید و به آن به عنوان تجربه زندگی بنگرید.

۴- تواضع و فروتنی را در روابط اجتماعی، و مخصوصاً با دوستان و همکاران خود پیشه کنید. پدیده خودبزرگ‌بینی و غرور بسیار خطرناک است. ما همگی باید از آن پرهیز کنیم.

۵- صداقت، درستی، و وجدان کاری را در هر کاری که می‌کنید مدّ نظر داشته باشید. این نکته‌ای است که متمایز کننده اعتبار شغلی و شخصیتی شماست و تضمین کننده موفقیت‌های بعدی آن.

خداوند یار و نگهدارتان باشد. برایتان آرزوی موفقیت دارم. والسلام.

دکتر علی مقداری

مراسم فارغ‌التحصیلی، اردیبهشت ۱۳۸۸